

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال دهم، شماره‌ی سی‌وهشتم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۴-۵

نام‌ها و نقش‌ها؛

روایتی از شکل‌گیری مجموعه‌ی تیموری افوشته

نغمه اسدی چیمه^۱، حمیدرضا جیحانی^۲

چکیده

ساخت‌وساز در هر دوره‌ای از تاریخ، مرهون حضور افرادی بوده است که نیت احداث بنا را در سر پرورانده و بانی شکل‌گیری آن شده‌اند؛ کسانی که منابع مالی را برای ساخت‌وساز تأمین کرده‌اند و گروه‌هایی که در کار اجرا وظایفی گوناگون بر عهده داشته‌اند. بسیاری از آثار معماری هم‌اکنون پابرجایند ولی از اشخاصی که در پیدایش آنها نقشی ایفا کرده‌اند به‌ندرت خبری دقیق وجود دارد؛ به‌ویژه در آثاری که طبقات فرودست جامعه آنها را شکل داده‌اند، این نبود اطلاعات بیشتر به چشم می‌خورد. مجموعه بناهای روستای افوشته از دسته آثاری است که در سده‌ی نهم، به دور از مرکز حکومت تیموریان شکل گرفته است. منابع دست اول محدودی که از این مجموعه در دست است، از جمله کتیبه‌ی سردر دارالسیاده و یک وقف‌نامه، پیگیری اشخاص اثرگذار در فرایند احداث بنا را میسر می‌کند. اطلاعاتی که این منابع در اختیار می‌گذارند اطلاعاتی کامل نیست، ولی در این پژوهش تلاش شده است تا با کمک منابع دیگر و استفاده از ابزار تفسیر و همچنین به‌کارگیری روش تفسیری تاریخی، اسامی اشخاص و نقش آنها در احداث مجموعه روشن شود. حاصل این پژوهش نشان می‌دهد که سه فرد در شکل‌گیری مجموعه بناهای روستای افوشته نقش داشته‌اند؛ سید حسن حسینی به عنوان بانی، علاءالدوله نوه‌ی شاهرخ به عنوان حامی، و حسن بن نظام‌الدین بن‌اء اصفهانی به عنوان سازنده. این مجموعه در سایه این سه گروه ایجاد شده و تداوم یافته است.

واژه‌های کلیدی: افوشته، مجموعه‌ی تیموری، سردر دارالسیاده، علاءالدوله، سید حسن واقف

۱. کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران دانشگاه هنر اصفهان، (نویسنده‌ی مسئول)،
(n.asadich@gmail.com).

۲. استادیار دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان، (Jayhani@kashanu.ac.ir).
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۲، تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۵/۰۳.

مقدمه

آثار معماری در پژوهش‌های مختلف، اغلب به‌مثابه محصول نهایی بررسی می‌شوند؛ بی‌آنکه مشخص شود دقیقاً محصول چه فرایندی‌اند یا چه سلسله اقدامات و افرادی منجر به شکل‌گیری آنها شده‌اند. به نظر می‌رسد علت این امر آن است که نوشتن درباره‌ی معماری و ثبت وقایع پیرامون آن، در گذشته مرسوم نبوده و به همین سبب منبع دست‌اولی که به‌طور مستقیم و روشن، از روند شکل‌گیری یک اثر معماری خبری داشته باشد در دست نیست. مقصود از فرایند احداث یک بنا، نخست فرایند شکل‌گیری و مراحل ساخت و اجرای آن و دیگر، عاملان و دست‌اندرکاران ایجاد بناست. درست است که تشخیص تقدم و تأخر اجزای بنا از طریق بازیابی و بازخوانی شواهد موجود در کالبد فعلی میسر می‌شود، اما دستیابی به فرایند ساخت و مراحل اجرای بنا به سبب نبود منابعی که مراحل پیشرفت ساخت را جزء‌به‌جزء ثبت کرده باشند، دشوار است. درباره‌ی عاملان و دست‌اندرکاران ساخت بنا نیز باید گفت که در گذشته تهیه‌ی فهرست از همه‌ی افرادی که به نوعی در شکل‌گیری بنا نقش داشته‌اند، مرسوم نبوده است؛ ولی رجوع به کتیبه‌های احداثیه و اسنادی همچون وقف‌نامه‌ها و اسناد خانوادگی، ردی از اشخاصی که در احداث بنا اثرگذار بوده‌اند نشان می‌دهد؛ گرچه این موضوع درباره‌ی همه‌ی بناها صدق نمی‌کند و یافتن چنین شواهدی در بناهایی که در روستاها و شهرهای کوچک و به دور از مرکز قدرت شکل گرفته‌اند و یا بی‌اذن و دخالت حکومت احداث شده‌اند و به طبقات فرودست اجتماع تعلق دارند، بسیار دشوار است.

روستای افوشته روستایی کوچک در حاشیه‌ی نطنز است. این روستا دربردارنده‌ی بناهایی است که به استناد کتیبه‌های تاریخ‌دار موجود در آنها، در نیمه‌ی اول قرن نهم هجری و مقارن دوره‌ی تیموری احداث شده‌اند. این کتیبه‌ها علاوه بر تاریخ ساخت، اطلاعات مفیدی از اشخاص اثرگذار در شکل‌گیری مجموعه‌ی ابنیه‌ی افوشته نیز به دست می‌دهند؛ به‌ویژه بر سردری به‌جامانده از بنایی مخروب، مشهور به سردر دارالسیاده و سردر خانقاه، کتیبه‌ای نصب است که اطلاعات مهم‌تری در اختیار می‌گذارد. اهمیت این موضوع از این حیث است که در آن دوره، شمال‌شرق ایران مرکز و مقر حکومت تیموری بوده و

نام‌ها و نقش‌ها؛ روایتی از شکل‌گیری مجموعه‌ی تیموری افوشته | ۷

عمده‌ی اقدامات عمرانی تیموریان در گستره‌ی شمال‌شرقی صورت گرفته است. به بیان دیگر دامنه‌ی ساخت‌وسازهای آنها به‌ندرت به مرکز ایران کشیده شده و از این رو بناهایی از این دوره، همچون آنچه در افوشته پابرجاست، منحصر به فرد است و جای بررسی دارد. درباره‌ی اشخاص اثرگذار در شکل‌گیری مجموعه‌ی افوشته و به‌طور کلی بناهای دوره‌ی تیموری تاکنون مطالعه‌ی جامع صورت نگرفته است و از این رو طبقه‌بندی ویژه‌ای که مراتب اشخاص و نقش ایشان را در شکل‌گیری بناها نشان دهد در دست نیست. دونالد ویلبر و لیزا گلمبک در کتاب *معماری تیموری در ایران و توران با گردآوری و بررسی نمونه‌های متعددی از آثار تیموری و تهیه‌ی فهرستی از اشخاص اثرگذار در روند احداث بناها، دسته‌بندی کلی‌ای از این اشخاص ارائه داده‌اند*. آنها در کنار تبیین اهمیت نقش معمار، امیال و مقدمات بانی را هم عاملی مهم در پیدایش یک بنا دانسته و از این رو این اشخاص را در دو دسته‌ی کلی بانیان و معماران (صنعتگران) قرار داده‌اند و سپس به بررسی و طبقه‌بندی همین دو گروه پرداخته‌اند.^۱ همچنین در بعضی مطالعات که روی تک‌بناهای دوره‌ی تیموری صورت گرفته، به نقش افراد مؤثر در احداث همان بنا پرداخته شده است؛ برای نمونه در پژوهشی که مهدی گلچین‌عارفی روی مدرسه‌ی غیاثیه‌ی خرگرد انجام داده، شرحی درباره‌ی بانی و سازنده‌ی بنا نیز دیده می‌شود.^۲

شیلا بلر ضمن مطالعه‌ی اشخاص مؤثر در شکل‌گیری مجموعه مزار ایلخانی نطنز از خلال کتیبه‌ها و اسناد، دسته‌بندی دیگری از افراد ارائه داده است. او چهار دسته از مردمان اثرگذار در شکل‌گیری این مجموعه را در طبقات «بانیان»، «حامیان»، «مباشران»، «صنعتگران و معماران» برشمرده است.^۳ بلر تأکید کرده که این طبقه‌بندی برشی مقطعی از

۱. لیزا گلمبک، دونالد ویلبر، (۱۳۷۴)، *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه‌ی کرامت‌الله افسر، محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ص ۸۹.

۲. مهدی گلچین‌عارفی، (۱۳۹۴)، *حکایت خرگرد و مدرسه: در نسبت مدرسه‌ی غیاثیه و بستر ظهورش*، تهران: روزنه، ص ۷۷.

۳. شیلا بلر، (۱۳۸۷)، *معماری ایلخانی در نطنز: مجموعه مزار شیخ عبدالصمد*، ترجمه‌ی ولی‌الله کاووسی، تهران: فرهنگستان هنر، ص ۱۷.

جامعه‌ی دوره‌ی ایلخانی را نشان می‌دهد و قابل تعمیم به همه‌ی ادوار تاریخ معماری ایران نیست؛ اما در دسته‌بندی او علاوه بر مقام بانی و معمار، دو گروه دیگر نیز هست که ممکن است با بررسی دقیق‌تر در بناهای دوره‌های دیگر، از جمله دوره‌ی تیموری، نیز قابل پی‌جویی باشد. از طرفی به نظر می‌رسد مراتب افراد در ساخت‌وساز، لزوماً وابسته به دوره‌ی تاریخی و تغییر زمان و حکومت‌ها نیست، بلکه ممکن است این مراتب در منطقه‌ای با منطقه‌ی دیگر تفاوت داشته باشد؛ بنابراین مطالعه‌ی بلر از حیث نزدیکی اثر مورد مطالعه‌ی او با مجموعه‌ی مورد بررسی در این پژوهش، اهمیت دارد.

در این مقاله با استفاده از روش تفسیری تاریخی و با بررسی شواهد و قراینی که از کالبد مجموعه و کتیبه‌های آن، به‌ویژه کتیبه‌ی سردر دارالسیاده، متن وقف‌نامه‌ی مجموعه و متون تاریخی دیگر، به دست آمده است، به بررسی اشخاص اثرگذار در شکل‌گیری مجموعه‌ای از بناها در افوشته پرداخته می‌شود. مقاله شامل سه بخش اصلی است؛ در بخش نخست، مجموعه‌ی افوشته و اجزای آن به اندازه‌ای که به کار این مقاله می‌آید، معرفی می‌شود. سپس به‌طور مشخص کتیبه‌ی سردر دارالسیاده که مبنای پژوهش است بازخوانی و اصلاح می‌شود. در بخش سوم، پس از استخراج اسامی از کتیبه‌ی دارالسیاده، اشخاص نام‌برده در کتیبه با کمک دیگر کتیبه‌های مجموعه، متن وقف‌نامه و منابع دیگر به تفصیل معرفی می‌شوند و جایگاه و نقش ایشان در احداث مجموعه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مجموعه‌ی افوشته

روستای افوشته واقع در جنوب شرقی شهر نطنز در بردارنده‌ی مجموعه‌ای از بناهاست که به استناد کتیبه‌های تاریخ‌دارشان، مربوط به سده‌ی نهم و دوره تیموری‌اند. در حال حاضر این مجموعه شامل دو بقعه، مسجد، حسینیه، حمام، آب‌انبار، بنایی موسوم به شربت‌خانه، سردر به‌جامانده از بنایی به نام دارالسیاده و خانه‌ای به نام سورگانه است. علاوه بر آثار معماری نام‌برده، وقف‌نامه‌ای نیز از این مجموعه در دست است که در سال ۸۵۷ هجری قمری، به سفارش تاج‌الدین حسن حسینی مشهور به سید واقف تنظیم شده است و اخباری مفید از

بناهای مجموعه دربردارد.

از میان بناهای مجموعه، ساخت یکی از بقعه‌ها که مدفن تاج‌الدین حسن حسینی است، بر اساس کتیبه‌ی سردر آن، در سال ۸۲۸ هجری قمری به پایان رسیده است. در بقعه‌ی دیگر تاریخی وجود ندارد، اما اهالی افوشته آن را متعلق به میر سید (فرزند سید واقف) می‌دانند. در وقف‌نامه به نوعی به نام مسجد و حمام و شربت‌خانه نیز اشاره شده است؛ به همین سبب زمان احداث آنها به پیش از تاریخ کتابت سند یعنی نیمه‌ی اول قرن نهم بازمی‌گردد. زمان ساخت سورگاہ را نیز که به نظر می‌رسد خانه‌ی شخصی واقف است، از حیث مشابهت در اجزای معماری آن با بنای شربت‌خانه می‌توان هم‌زمان با احداث این بنا دانست. حسینی و آب‌انبار هم بناهایی‌اند که در دوره‌ی قاجار به مجموعه افزوده شده‌اند.^۱ اصلی‌ترین بنایی که در مجموعه وجود داشته است و اکنون اثری از آن نیست، بنای خانقاه سید واقف است که در وقف‌نامه از آن به‌عنوان خانه‌ی سید واقف یاد شده و سپس به تفصیل به آن پرداخته شده است. بررسی شواهدی که وقف‌نامه در اختیار می‌گذارد نشان می‌دهد که سردر دارالسیاده که هم‌اکنون در روستا پابرجاست، سردر ورودی این خانقاه و تنها بازمانده از بنای آن است و به همین دلیل است که کتیبه‌ی منصوب بر آن بسیار مفصل‌تر از کتیبه‌های دیگر بناهاست؛ بنابراین بررسی متن این کتیبه و استخراج اسامی اشخاص اثرگذار در احداث آن، ما را به نام اشخاص مؤثر در ایجاد بخش اعظم مجموعه و چه بسا تمام آن می‌رساند.

۲. بازخوانی کتیبه‌ی سردر دارالسیاده

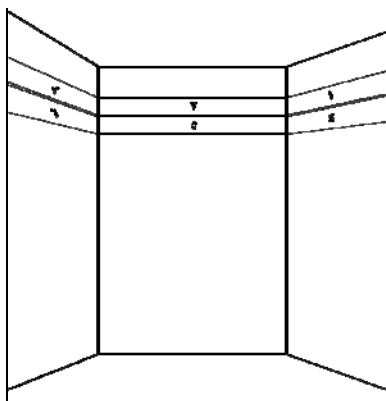
در حال حاضر سردر دارالسیاده یا همان سردر خانقاه، رو به میدان افوشته (حسینی‌ی‌ی فعلی) و پشت به معبری قرار دارد و همه‌ی فضاها‌ی پشت آن، در گذشته تخریب شده‌اند. بر این سردر کتیبه‌ای شامل شش بخش به خط ثلث سفید بر زمینه‌ی کاشی لاجوردی نصب است. متن این کتیبه را نخستین بار حسن نراقی به‌صورت زیر خوانده است:

«به فیض فضل حضرت الهی و امداد کرم نامتناهی در ایام خلافت و دولت حضرت

۱. حسین اعظم‌واقفی، (۱۳۷۹)، میراث فرهنگی نطنز، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۹۴-۹۸.

خاقان بن الخاقان ظل الله في العالمين المؤيد به تأييد ملك المنان معين السلطنة والخلافه في الدنيا والدین شاهرخ بهادر خان خلد الله تعالی خلافته و اید علی العالمین رأفته که ولایت از ممالک مخصوصه بود بسیط آن خطه نور حدقه السلطنه نور حدیقه المعدله السلطان بن السلطان بن السلطان المخصوص به عنایت ملک الرحمن علاءالدوله والسلطنه والدینا والدین شاهرخ بهادر خان خلد الله تعالی ملکه بناء این بیت السعاده والسیاده که همیشه قواعدش به روابط دوام احکام مربوط باد از خالص المال بنده محتاج الفقیر الی رحمه الله الغنی حسن بن حسین الحسینی به اتمام رسید فی شهر محرم الحرام سنه تسع واربعین وثمانمائه. عمل الفقیر شیخ حسن بن نظام الدین بناء اصفهانی.^۱

این خوانش از حسن نراقی در سال ۱۳۷۴ در کتاب آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز منتشر شده و پس از آن مبنای کار افرادی دیگر از جمله حسین اعظم واقفی قرار گرفته است. اعظم واقفی در کتاب میراث فرهنگی نطنز ضمن بررسی بنای دارالسیاده، خوانش نراقی را از این کتیبه، بی تغییر تکرار کرده است.^۲ اما به نظر می‌رسد این قرائت از کتیبه به‌ویژه در بخش‌هایی از آن که کاشی‌های کتیبه مخدوش شده‌اند دقیق نیست؛ از این رو ابتدا متن کتیبه بازخوانی و صورتی صحیح از متن آن ارائه می‌شود.



تصویر شماره ۱: سردر دارالسیاده (راست)، جانمایی کتیبه بر سردر دارالسیاده (چپ)

۱. حسن نراقی، (۱۳۸۲)، آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۴۰۹.

۲. میراث فرهنگی نطنز، ص ۵۶.

متن کتیبه	موقعیت	
 <p>«به فیض فضل حضرت الهی و امداد کرم نامتناهی در ایام خلافت و دولت حضرت»</p>		بخش اول
 <p>«...م خاقا ... الله فی العالمین المؤید به تأیید ملک المنان معین السلطنه والخلافه فی الدنیا والدین شاهرخ بهادر خان خلد الله تعالی»</p>		بخش دوم
 <p>«خلافته و آید علی العالمین رأفته که ولایت از ممالک مخصوصه بود بسیط آن ... نور حدقه السلطنه نور حدیقه»</p>		بخش سوم
 <p>«المعدله السلطان بن السلطان بن السلطان المخصوص به عنایت ملک الرحمن علاء الدوله والسلطنه والدو[...]</p>		بخش چهارم
 <p>«... لد بهادر س... لی ملکه بناء این بیت السعاده و السیاده که همیشه قواعدش به روابط دوام احکام مربوط باد از خالص المال بنده محتاج الفقیر»</p>		بخش پنجم
 <p>«الی رحمه الله الغنی حسن بن حسین الحسینی به اتمام رسید فی شهر محرم الحرام سنه تسع واربعمین وثمانمائه عمل الفقیر شیخ حسن بن نظام‌الدین بناء اصفهانی»</p>		بخش ششم

اولین بخش کتیبه کاملاً خواناست. در ابتدای بخش دوم به دلیل الحاق یک کاشی با طرح و نقش دیگر روی کتیبه‌ی سردر، کلمات ابتدایی از دست رفته است؛ ولی کلمه‌ای مختوم به حرف «م» در ابتدای این بخش و پیش از واژه‌ی «خاقان» وجود دارد که در خوانش نراقی نیست. او بخش ناخوانا را به این صورت خوانده است: «حضرت [خاقان بن الخاقان ظل] الله».

در سومین بخش کتیبه به جز واژه‌ای که نراقی آن را «خطه» خوانده است، خوانش نراقی اشکالی ندارد. واژه‌ی «خطه» در این کتیبه از حیث معنا با کلمات بعدی بی‌ارتباط است. از طرفی با دقت در طرز نگارش این کلمه و مقایسه‌ی حروف با واژه‌ی «حضرت» که در ابتدا و انتهای قسمت اول کتیبه نوشته شده، می‌توان واژه‌ی مورد نظر را همان «حضرت» دانست که مقدمه‌ی معرفی فردی دیگر در کتیبه است.

در پنجمین بخش کتیبه، نخستین کلمات ناخوانا و مخدوش‌اند. از کلمات ابتدایی این بخش، «لد» تنها جزئی است که دیده می‌شود که نراقی آن را «الدین» دانسته است. در پایان بخش چهارم نیز، واژگان «به عنایت ملک الرحمن علاءالدوله والسلطنه والد...» به خوبی قابل تشخیص‌اند و «الد...» تنها جزء ناقص این بخش است. با توجه به پیشوندهای رایج برای امیرزادگان تیموری در سده‌ی نهم، می‌توان این کلمه را به دو صورت تکمیل کرد؛ نخست به صورت «علاءالدوله والسلطنه والد[ینیا] والد[ین]...» که همان خوانش نراقی است. صورت دوم می‌تواند به صورت «علاءالدوله والسلطنه والد[ین] و[لد]...» باشد که «واو» آن در آخر بخش چهارم و «لد» آن در ابتدای بخش پنجم کتیبه نوشته شده است. در این بخش بلافاصله پس از «لد»، واژه‌ی «بهادر» در کتیبه آمده و واژه‌ی بعدی با حرف «س» آغاز و با حرف «ن» تمام می‌شود. کلمات بعدی به‌طور کامل از دست رفته‌اند و آخرین واژه به صورت «...لی» قابل خواندن است. کلمات ابتدایی این بخش از نظر نراقی «الدین والدین شاهرخ بهادر خان خلد الله تعالی» است. اما به نظر می‌رسد حاصل هم‌نشینی واژه‌ی «بهادر» با واژه‌ای دیگر که با «س» آغاز و با «ن» تمام شده است، نمی‌تواند عبارت «شاهرخ بهادر خان» باشد و این ترکیب به صورت «بهادر سلطان» صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

با این بازخوانی، کتیبه به این صورت درمی‌آید:

«به فیض فضل حضرت الهی و امداد کرم نامتناهی در ایام خلافت و دولت حضرت [...]م^۱ خاقان [بن الخاقان ظل]^۲ الله فی العالمین المؤید به تأیید ملک المنان معین السلطنه والخلافه فی الدنیا والدین شاهرخ بهادر خان خلد الله تعالی خلافته و اید علی العالمین رأفته که ولایت از ممالک مخصوصه بود بسیط آن حضرت نور حدقه السلطنه نور حدیقه المعدله السلطان بن السلطان بن السلطان المخصوص به عنایت ملک الرحمن علاءالدوله والسلطنه والد[نیا] والد[ین]^۳ بهادر سلطان (یا علاءالدوله والسلطنه والد[ین] ولد بهادر سلطان) [خلد الله] تعالی ملکه بناء این بیت السعاده والسیاده که همیشه قواعدش به روابط دوام احکام مربوط باد از خالص المال بنده محتاج الفقیر الی رحمہ الله الغنی حسن بن حسین الحسینی به اتمام رسید فی شهر محرم الحرام سنه تسع واربعین وثمانمائه. عمل الفقیر شیخ حسن بن نظام‌الدین بناء اصفهانی.»

۳. اشخاص نام‌برده در کتیبه‌ی سردر دارالسیاده

در خواتش حسن نراقی، نام سه فرد به وضوح مشهود است: شاهرخ بهادر خان، حسن بن حسین الحسینی، شیخ حسن بن نظام‌الدین بناء اصفهانی. همچنین متن کتیبه درباره‌ی نقش سید حسن بن حسین الحسینی به عنوان بانی بنا و شیخ حسن بن نظام‌الدین به عنوان سازنده‌ی آن اطلاعاتی به دست می‌دهد. در همین خوانش از کتیبه، نام شاهرخ بهادر خان دو بار ذکر شده است؛ یک بار به صورت «به تأیید ملک المنان معین السلطنه والخلافه فی الدنیا والدین شاهرخ بهادر خان خلد الله تعالی خلافته و اید علی العالمین رأفته» و بار دوم به صورت «السلطان بن السلطان بن السلطان المخصوص به عنایت ملک الرحمن علاءالدوله

۱. به علت مخدوش بودن این بخش از کتیبه، تشخیص حروف پیش از حرف «م» میسر نیست و در این باره نمی‌توان نظری دقیق داد، اما بر اساس کتیبه‌ی سردر آرامگاه شاهرخ، ممکن است عبارت «السلطان الاعظم» باشد.

۲. آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، ص ۴۰۹.

۳. همان‌جا.

والسلطنه والدینا والدین شاهرخ بهادر خان خلد الله تعالی ملکه». در ذکر نخست «شاهرخ» با صفات «ملک المنان»، «معین السلطنه والخلافه فی الدنیا والدین» معرفی شده و در ذکر دوم با صفات «السلطان بن السلطان بن السلطان»، «ملک الرحمن»، «علاءالدوله والسلطنه والدینا والدین». مطابق این دو، یک بار بنا به تأیید و بار دیگر به عنایت شاهرخ ایجاد شده است که این موضوع از حیث معنا و مفهوم کمی نادرست به نظر می‌رسد، اما پس از بازخوانی کتیبه، مشخص شد که این بخش به شخصی به نام «علاءالدوله» نیز اشاره دارد. هر یک از این اشخاصی که نام آنها در کتیبه‌ی سردر دارالسیاده قید شده است، در احداث و شکل‌گیری بنا و چه بسا کل مجموعه جایگاه و نقشی داشته‌اند. نقش بعضی از ایشان مشخص است و نقش بعضی نیز با تفسیر، روشن می‌شود. باید گفت که دریافتن این نقش، تا حدی در گرو دانستن شخصیت و جایگاه سیاسی، اجتماعی و مذهبی آنهاست؛ از این رو لازم است ابتدا مشخص شود این افراد چه کسانی‌اند و چه جایگاهی دارند تا سپس نقشی که در ایجاد دارالسیاده‌ای در روستای افوشته ایفا کرده‌اند، روشن شود.

۳-۱. شاهرخ بهادر خان

شاهرخ بهادر خان، فرزند تیمور گورکانی است. منابع مختلفی در وصف خلق و خو، عقاید و اقداماتش نوشته‌اند و در این زمینه منابع دست اول نیز فراوان است. قصد این پژوهش بازگفتن مطالب آن منابع نیست. آنچه اهمیت دارد، نقش او در احداث بنایی در روستایی در مرکز ایران است. از خوانش نراقی چنین برمی‌آید که بنای دارالسیاده‌ی افوشته، با تأیید شاهرخ و به عنایت او ساخته شده است و بر این اساس او نقشی مهم و اساسی در ایجاد بنا دارد. اما بازخوانی کتیبه نشان می‌دهد که واژه‌ی «تأیید» در اینجا معطوف به ایجاد بنا نیست، بلکه از تأیید امری دیگر توسط شاهرخ حکایت می‌کند.

در متن کتیبه آمده است: «به فیض فضل حضرت الهی و امداد کرم نامتناهی در ایام خلافت و دولت حضرت [...]م خاقان [بن الخاقان ظل] الله فی العالمین المؤید به تأیید ملک المنان معین السلطنه والخلافه فی الدنیا والدین شاهرخ بهادر خان خلد الله تعالی خلافته و اید علی العالمین رأفته که ولایت از ممالک مخصوصه بود بسیط آن حضرت

نام‌ها و نقش‌ها؛ روایتی از شکل‌گیری مجموعه‌ی تیموری افوشته | ۱۵

نور حدقه السلطنه نور حدیقه المعدله السلطان بن السلطان بن السلطان المخصوص به عنایت ملک الرحمن علاءالدوله ...»

دقت در متن بالا نشان می‌دهد که شاهرخ بهادر خان نه تأییدکننده احداث بنا، که مؤید حکم «ولایت ممالک مخصوصه» برای فردی است که در ادامه این‌چنین معرفی شده است: «آن حضرت نور حدقه السلطنه نور حدیقه المعدله السلطان بن السلطان بن السلطان المخصوص به عنایت ملک الرحمن علاءالدوله ...». به عبارتی شاهرخ تأیید کرده است که دست‌کم روستای افوشته، جزئی از ممالک مخصوصه‌ی فردی به نام «علاءالدوله» باشد.

۲-۳. علاءالدوله

«علاءالدوله» که بر اساس قرائت نراقی، صفتی برای شاهرخ در نظر گرفته شده، نخستین بار در کتاب معماری تیموری در ایران و توران و ذیل بررسی سردر دارالسیاده‌ی افوشته، به‌عنوان اسم شخص (نوه‌ی تیمور) و به‌صورتی نامطمئن، حاکم نظنز معرفی شده است.^۱ موضوعی که ویلبر و گلمبک مطرح کرده‌اند، با استناد به کتیبه و نیز منابع تاریخی قابل بررسی است. پیش از این گفته شد که بر اساس متن کتیبه و با توجه به مخدوش‌بودن آن، بخش ناخوانا به این دو صورت خوانده می‌شود: «علاءالدوله والسلطنه والد[نیا] والد[ین] بهادر سلطان» یا «علاءالدوله والسلطنه والد[ین] ولد بهادر سلطان». به این معنی که می‌توان لقب «بهادر سلطان» را هم به علاءالدوله به‌عنوان یک شاهزاده‌ی تیموری نسبت داد و هم می‌توان «بهادر سلطان» را لقب پدر علاءالدوله دانست. در هر دو صورت، نام علاءالدوله یکی است؛ اما از آنجا که «بهادر سلطان» لقبی منسوب به تعداد کمی از سلاطین تیموری است،^۲ به نظر می‌رسد که صورت دوم صحیح‌تر باشد.

۱. معماری تیموری در ایران و توران، ص ۵۰۳.

۲. این عنوان در شاهنامه‌ی بایستقری برای بایسنقر، در کتیبه‌ی سنگ قبر شاهرخ و نیز در مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین نیز برای شاهرخ به کار رفته است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: عبدالرزاق سمرقندی، (۱۹۴۶م)، مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین، ج ۲، تصحیح محمد شفیع، لاهور: چاپخانه‌ی گیلانی. صص ۱۲۹-۱۳۵؛ و عبدالحسین نوایی، (۱۳۷۰)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران: از تیمور تا شاه اسماعیل، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۳۱.

علاوه بر این در بعضی از منابع سده‌ی نهم هجری «علاءالدوله» یکی از سه فرزند «بایسنقر میرزا» و نوه‌ی شاهرخ تیموری معرفی شده است؛ بنابراین می‌توان فرض کرد که منظور از «بهادر سلطان» در این کتیبه همان «بایسنقر میرزا» فرزند شاهرخ است و رجوع به متن شاهنامه‌ی بایسنقری نیز لقب «بهادر سلطان» را برای او تأیید می‌کند.^۱ اما منبعی که درباره‌ی نسبت علاءالدوله با خاندان تیموری و همچنین ارتباط او با نظنز و بنای دارالسیاده اطلاعات مناسبی در اختیار می‌گذارد، کتابی به نام دیار بگریه است. ابوبکر طهرانی، نویسنده‌ی کتاب، که ابتدا در دربار شاهرخ و سپس در دستگاه ترکمانان به کار منشی‌گری مشغول بوده، مشاهدات خود از وقایع سده‌ی نهم را در این کتاب به ثبت رسانده است.^۲ نوشته‌های طهرانی از این جهت برای این پژوهش اهمیت بسیاری دارد که او کاتب وقف‌نامه‌ی موقوفات در افوشته نیز هست و بنابراین اخبار او از نظنز و افوشته، اعتبار دارد. در همین کتاب آمده است: «بایسنقر میرزا در زمان حیات پدر بساط عیش و نشاط درنوردید و به دار بقا خرامید و از او سه پسر ماند؛ میرزا علاءالدوله و سلطان محمد و بابر میرزا. گوهرشاد آغا که مادرش بود، علاءالدوله میرزا را در سلک تربیت انتظام داد و خواست که او ولیعهد شاهرخ میرزا شود. ممالکی که به بایسنقر میرزا متعلق بود مثل استرآباد و کاشان و شبانکاره و ساوه و نظنز و دیگر ولایات بدو مخصوص داشت و در دیوان شاهرخ میرزا او را امارت و منصب مهرزدن بر احکام داد و او را در حجر عاطفت خود تربیت می‌فرمود.»^۳

بر اساس این بخش از کتاب، ابتدا فرض یکی بودن «بهادر سلطان» و «بایسنقر میرزا»

۱. متن کتیبه به این شرح است: «قد وقع الفراغ من تحریر هذا الكتاب الشريف ... باشاره الخان بن الخان سلطان سلاطین العهد والزمان ... غیاث السلطنه والدینا والدین بایسنقر بهادر سلطان خلد الله تعالی ملکه و سلطانه علی العبد الضعیف المقتدر الی رحمه الباری جعفر البایسنقری اصلح الله احواله فی الخامس من جمادی الاولی سنه ثلاث وثلثین وثمانمائه هلالیه والحمد لله اولاً و آخراً». بنگرید به: خان‌بابا بیانی، (۱۳۵۰)، «شاهنامه‌ی بایسنقری و حافظ ابرو»، بررسی‌های تاریخی، ش ۳۴، صص ۱۵۷-۱۸۲.

۲. ابوبکر طهرانی، (۱۳۵۶)، دیار بگریه، تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومه، تهران: کتابخانه‌ی طهوری، صص ۱-۲۲.

۳. همان، ص ۳۱۶.

تأیید می‌شود و سپس معلوم می‌شود که علاءالدوله‌ی نام‌برده در کتیبه، فرزند بایسنقر و نوه‌ی شاهرخ است. همین‌سطور نشان می‌دهند که نطنز به‌عنوان بخشی از ممالک مخصوصه‌ی بایسنقر میرزا در اختیار علاءالدوله قرار گرفته است و از این‌روست که نام علاءالدوله، نوه‌ی شاهرخ، در کتیبه‌ی بنایی در روستایی مجاور نطنز به چشم می‌خورد؛ بنابراین کتیبه‌ی سردر دارالسیاده، در ابتدا به‌صورت اعلانی عمومی، از تخصیص نطنز به علاءالدوله و احتساب آن به‌عنوان بخشی از ممالک مخصوصه‌ی او خبر می‌دهد و سپس بیان می‌کند که بنای مورد نظر نیز «به عنایت» علاءالدوله ایجاد شده است؛ بنابراین معلوم می‌شود که چرا نام شاهزادگان تیموری در بنایی روستایی در مرکز ایران ثبت شده است؛ اما منبعی که از نقش آنها در شکل‌گیری مجموعه خبری دقیق داشته باشد، در دست نیست. توجه به معنا و کاربرد واژه‌ی «عنایت» که در کتیبه پیش از ذکر نام علاءالدوله آمده است، می‌تواند کارساز باشد. مطابق لغت‌نامه‌ی دهخدا، عنایت در لغت به معنی قصدکردن، اهتمام‌داشتن، مددکاری و دستگیری، توجه و بخشش و انعام و در اصطلاح توجه مافوق به مادون است.^۱ به نظر می‌رسد می‌توان دو مفهوم را از واژه‌ی عنایت و معانی‌اش برداشت کرد: اول توجه و اهتمام که جنبه‌ی غیرمادی دارد و دوم دستگیری و انعام که می‌تواند جنبه‌ی مالی نیز داشته باشد. اما از آنجا که در بخشی از کتیبه به احداث بنا «از خالص مال بانی» اشاره شده است و در وقف‌نامه نیز جز نام تاج‌الدین حسن نام فردی دیگر ذکر نشده، می‌توان دریافت که بنا فقط از محل دارایی شخص سید حسن حسینی احداث شده و حمایت علاءالدوله، حمایت مالی نبوده است. به هر روی در هر دو معنای مستفاد از واژه‌ی «عنایت»، مفهوم «حمایت» مستتر است. اما مقصود از حمایت در اینجا، می‌بایست نوعی از حمایت بوده باشد که در دوره‌ی تیموری به‌صورت واگذاری سیورغال از جانب حاکم و به فرمان او رواج داشته است. سیورغال که اصلاً واژه‌ای مغولی و به معنای هدیه است، عبارت است از مقدار زمینی (از یک ایالت تا یک ده) که سلطان به تابعان و وابستگان خود اهدا می‌کرده تا پشت در پشت از آن بهره‌گیرند.^۲ بر اساس این رسم مغولی، گیرنده‌ی

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ذیل عنایت.

۲. امیر تیموری رفیعی، (۱۳۸۸)، «سیورغال در عهد ایلخانی و تیموری»، فصلنامه‌ی تاریخ، س ۴، ش ۱۲،

سیورغال نسبت به املاک دریافتی حقوقی به دست می‌آورده است.^۱ واگذاری سیورغال و بهرمندی از امتیازات آن به شرایط گیرنده از جمله خدمات نظامی او بستگی داشته، اما در دوره تیموری بعضی سیورغال‌ها بی هیچ تعهدی، به علما و روحانیون و سادات واگذار می‌شده است.^۲ توجه به این موضوع، نقش علاءالدوله و نوع حمایت او را اندکی روشن و توجیه می‌کند.

۳-۳. سید حسن بن حسین الحسینی

در بخش گذشته مشخص شد که بنای دارالسیادهی افوشته تحت حمایت علاءالدوله نوهی شاهرخ احداث شده، اما شکل‌گیری مجموعه ابنیهی این روستا تا حد بسیاری مرهون شخص سید حسن حسینی است. از بین شواهد مادی و موجود در مجموعه، کتیبهی سردر دارالسیاده از حیث معرفی بانی کامل‌ترین و روشن‌ترین منبع است. در این کتیبه با تأکید بر اینکه بنا از خالص مال سید حسن حسینی ساخته شده است، شأن او به‌عنوان بانی به‌صورت زیر تبیین و تأیید شده است:

«... بناء این بیت السعاده والسیاده که همیشه قواعدش به روابط دوام احکام مربوط باد از خالص المال بنده محتاج الفقیر الی رحمہ الله الغنی حسن بن حسین الحسینی به اتمام رسید...»

علاوه بر این کتیبه، کتیبهی سردر بقعهی سید واقف، کتیبهی صندوق منبت مدفنش و نیز کتیبهی درهای منسوب به مسجد جامع افوشته، هر یک به نحوی بر مالکیت او بر مجموعه و نقش او در مقام بانی صحه می‌گذارند. اما وقف‌نامه‌ای که به خواست او و در سال ۸۵۷ هجری قمری تنظیم شده و مطابق آن بخشی عمده از دارایی‌هایش مشمول سنت وقف شده است، منبع بهتری برای شناخت او به‌عنوان بانی مجموعه است. به بیان دیگر، کتیبهی سردر دارالسیاده او را به‌خوبی در مقام بانی معرفی می‌کند، اما درک شخصیت او و فهم انگیزه‌اش

۱. دانشگاه کمبریج، (۱۳۷۹)، تاریخ ایران: دوره تیموریان، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران: جامی، ص ۲۲۲.

۲. همان، ص ۲۲۴.

برای احداث این مجموعه و وقف آن و حتی نحوه‌ی تأمین منابع مالی برای ساخت‌وساز مجموعه‌ای چنین گسترده، منوط به مطالعه‌ی وقف‌نامه است؛ به‌ویژه نبود منبع دست اول دیگری درباره سید حسن حسینی، بر اهمیت وقف‌نامه در شناخت بانی مجموعه می‌افزاید. در این وقف‌نامه پیش از ورود به بحث موقوفات، شخص واقف این چنین معرفی شده است:

«جناب سیادت مآب، رفعت‌ایاب مرتضی اعظم افخم، افتخار السّاده والاشراف، زبده آل عبد مناف، عون ملوک زمان، دستور اعظام اوان، ناظم مصالح المسلمین، ملجأ الضعفا والمساکین، کھف اولاد البتول، المقرون خیراته بحسن القبول، تاج المله والیدین حسن بن عالی جناب سیادت پناه مرتضی اعظم مغفور مبرور شهید المشهور برفعه الشان و علو النسب، صاحب فتوت به حسب، نقاوه الاکابر الساده، مرضی الاخلاق والعهاده، امیر شرف المله والیدین حسین بن جناب سیادت انتساب سعادت اکتساب، مولی و مرتضی اعظم و افخم، رفیع الشان و علی المکان خلاصه الزمان، نقاوه الدوران، شمس‌الدین محمد حسینی افوشته‌ای، اعلی الله تعالی شان سیادته و رحم اسلافه...»^۱

بنا بر این سطور، تاج‌الدین حسن فرزند «شرف‌الدین حسین» و نوه‌ی «شمس‌الدین محمد افوشته‌ای» است. پدر و نیای بانی، همچون خود او افرادی گمنام‌اند و در هیچ منبعی ردی از ایشان نیز نیست؛ به همین دلیل، نام پیشینیان تاج‌الدین حسن نیز به شناخت او کمکی نمی‌کند، اما تأمل در صفاتی که برای معرفی او در وقف‌نامه به کار رفته است، تا حدودی شخصیتش را روشن می‌کند. القاب و صفات استفاده‌شده برای تاج‌الدین حسن سه دسته‌اند؛ دسته‌ی اول القابی که بر سیادت وی صحه می‌گذارند، دسته‌ی دوم القابی که نسبت وی را با سیاست‌نشان می‌دهند و دسته‌ی سوم آنها که وی را منشأ خیرات معرفی می‌کنند. در بین این القاب، «عون ملوک زمان» و «دستور اعظام اوان» که در دسته‌ی دوم قرار می‌گیرند، برای نیل به مقصود در این پژوهش به کار می‌آیند. واژه‌ی «عون» مطابق لغت‌نامه‌ی دهخدا دو معنی دارد؛ اول (اسم مصدر) [عربی: عَوْن، جمع: اعوان] به معنای

۱. عمادالدین شیخ‌الحکامی، (۱۳۸۸)، *اسناد معماری ایران*، دفتر اول، تهران: فرهنگستان هنر، ص ۳۸.

مساعدت و یاری و پشتیبانی؛ دوم در نقش صفت به معنی مددکار و پشتیبان و خدمتگزار.^۱ بنابراین معنای تحت‌اللفظی «عون ملوک زمان»، خدمتگزار شاهان زمانه است. این ترکیب دقیقاً مشخص نمی‌کند که آیا سید واقف به‌طور مستقیم وابسته به حکومت و در خدمت ایشان بوده است یا نه؛ اما به‌کارگیری چنین صفتی برای او، در کنار حمایتی که علاءالدوله از وی کرده است، از هم‌سوایی او با حکومت حکایت دارد.

عبارت «دستور اعظم اوان» تا حدودی قطعیت صاحب‌منصب بودن تاج‌الدین را آشکار می‌کند. واژه‌ی دستور در لغت‌نامه‌ی دهخدا به معنی صاحب‌مسند و صدر است. این لفظ مرکب است از لفظ «دست» به معنی مسند و قدرت، و لفظ «ور» که به معنی صاحب آید.^۲ واژه‌ی «اعظم» در لغت‌نامه‌ی دهخدا و همچنین دیگر فرهنگ‌ها جمع «أَعْظَم» و به معنی بزرگ‌تران آمده که در معنی مردمان بزرگ و بزرگوار و کلان و مشهور و نامدار و اکابر و مهتران نیز به کار می‌رود.^۳ کلمه‌ی «اوان» نیز در لغت‌نامه‌ی دهخدا به معنی گاه، حین، وقت و هنگام است.^۴ بنابراین از هم‌نشینی این سه واژه و معنای لغوی آنها می‌توان سید واقف را مشاور یا مباشر بزرگان زمان دانست.

ترکیب دو واژه‌ی «دستور» و «اعظم» در منابع برای اشخاص دیگری که جایگاه و مسندی در دستگاه قدرت داشته‌اند نیز به کار رفته است. یکی از افراد ملقب به «دستور اعظم»، خواجه غیاث‌الدین پیر احمد خوافی است^۵ که از مهم‌ترین رجال دربار شاهرخ بوده و بیش از سی سال منصب وزارت را بر عهده داشته است و او نیز به ساختن بناهای متعدد و موقوفات فراوان شهرت دارد.^۶ همچنین در ذکر شاعری به نام «خواجه آصفی» در تذکره‌الشعراء (۸۹۲ هـ ق) می‌توان قرینه‌ای برای تأیید این موضوع یافت: «پدرش دستور

۱. لغت‌نامه، ذیل عون.

۲. همان، ذیل دستور.

۳. همان، ذیل اعظم.

۴. همان، ذیل اوان.

۵. حکایت خرگرد و مدرسه، ص ۱۵.

۶. همان، ص ۷۷.

اعظم خواجه نعیم الحق والدین نعمت الله به روزگار خاقان ابوسعید، انارالله برهانه، وزیری به استحقاق و استدلال بود و از جمله‌ی وزرای روزگار چون او به کاردانی و حساب‌شناسی و کفایت وزیری نبود.^۱

بر این اساس، این لقب دست‌کم در سده‌ی نهم هجری، لقبی معمول برای وزرا بوده است. اما مورد بعدی نشان می‌دهد که کاربرد این لقب برای وزیران، از سده‌ی پیشین در نطنز نیز معمول بوده است؛ واژه‌ی «دستور» به معنی «وزیر» در کتیبه‌ی سردر مسجد جامع نطنز به این صورت به کار رفته است: «بسمله امر بالعمارات المستجده فی المسجد المولی المعظم صاحب الاعظم دستور ممالک العالم ممهد قواعد الخیر والکرم خواجه زیدن الدنیا والدین خلیفه بن الحسین الماستری بمساعی الصدر المعظم شمس‌الدین محمد بن علی النطنزی فی سنه اربع و سبعمائه».^۲ با توجه به اینکه زین‌الدین ماستری نایب «سعدالدین ساوجی» وزیر دربار ایلخانیان است،^۳ مشخص می‌شود که «دستور» به‌طور مشخص برای معرفی وزرا به کار می‌رفته است. اما نبودن ردی از تاج‌الدین در منابع دوره‌ی تیموری و شرحی از احوال و جایگاه او در دربار شاهرخ، در قائل‌شدن منصب وزارت برای او تردید ایجاد می‌کند. با وجود این می‌توان گفت که او فردی وابسته به حکومت و در خدمت شاهزادگان تیموری بوده است؛ هرچند کم‌وکیف این وابستگی مشخص نیست و منبعی درباره‌ی نوع ارتباط او با دربار تیموری وجود ندارد.

۳-۴. شیخ حسن بن نظام‌الدین بن‌اء اصفهانی

در بین ساخت‌وسازهای متعدد در این مجموعه تنها در سردر دارالسیاده می‌توان ردی از نام بن‌اء را یافت. به عبارتی از معمار و سازنده‌ی هیچ‌یک از بناهای این مجموعه اطلاعی در دست نیست. اما در انتهای کتیبه‌ی سردر دارالسیاده، فردی به‌عنوان بن‌اء به این صورت

۱. بنگرید به: عبدالرزاق سمرقندی، (۱۳۸۶)، *تذکره‌الشعرا*، تصحیح فاطمه علاقه، تهران: پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۹۲۳.

۲. معماری/ایلخانی در نطنز، ص ۱۲۵.

۳. همان، ص ۱۹.

معرفی شده است: «عمل الفقیر شیخ حسن بن نظام‌الدین بنّاء اصفهانی»؛ بنابراین شیخ حسن بن نظام‌الدین، سازنده‌ی بناست و عنوان «بنّاء» نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

نتیجه

بررسی مراحل ساخت بناها به دلیل کمبود اسناد و اخبار، از دید پژوهشگران حوزه‌ی تاریخ معماری مغفول مانده است؛ به همین جهت در بین مطالعاتی که روی بناها و آثار معماری صورت می‌گیرد، اغلب فرایند احداث و اشخاص مؤثر در این فرایند از دایره‌ی تحقیق حذف می‌شوند؛ به‌ویژه آثاری که طبقات فرودست جامعه آنها را ایجاد کرده‌اند و یا به آنها مربوط است، بیش از آثار طبقه‌ی حاکم و اشراف دچار این بی‌توجهی است. مجموعه بناهای روستای افوشته نیز از همین دست آثار است. اما در این پژوهش تلاش شد با به‌کارگیری منابع اندکی که از این مجموعه در دسترس است، از جمله یک کتیبه و یک وقف‌نامه، کم‌وکیف حضور اشخاص و نقش آنها در شکل‌گیری مجموعه بناهای این روستا روشن شود. برای رسیدن به این مقصود پس از بازخوانی و اصلاح کتیبه‌ی مورد نظر، اسامی به‌کاررفته در آن استخراج شد. این کتیبه منبعی مناسب و معتبر برای دانستن نام اشخاص بود، ولی از چرایی و چگونگی حضور ایشان در احداث بنا، اطلاعاتی در اختیار نمی‌گذاشت؛ از این‌رو در ضمن مرور کتیبه، از منابعی دیگر، از جمله یک تاریخ‌نامه و وقف‌نامه‌ی موقوفات تاج‌الدین حسن حسینی نیز استفاده شد. بر این اساس روشن شد که مجموعه بناهای افوشته، حاصل اقدامات سه طبقه از اشخاص است. اول بانی مجموعه که بر اساس متن کتیبه‌ی سردر دارالسیاده و کتیبه‌های دیگر بناهای مجموعه، تاج‌الدین حسن حسینی مشهور به سید حسن واقف است. از شخصیت او اطلاعاتی دقیق وجود ندارد، اما متن وقف‌نامه نشان می‌دهد که او علاوه بر آنکه سیدی خیرخواه و محبوب نزد اهالی روستا بوده است، وابستگی‌هایی نیز به سلاطین تیموری و حکومت وقت داشته که البته نوع و میزان آن مشخص نیست. بنا بر بررسی‌های صورت‌گرفته تاج‌الدین حسن بناهای افوشته را از مال خود برپا کرده اما اقدام او از حمایت علاء‌الدوله شاهزاده‌ی تیموری نیز بی‌نصیب نمانده است؛ اندکی پیش از آغاز ساخت بناهایی در افوشته، نظنز بخشی از املاک خاصه‌ی

بایسنقر میرزا، فرزند شاهرخ تیموری، بوده است. پس از مرگ بایسنقر، بخشی از این املاک، از جمله نطنز، به فرزند بزرگ او علاءالدوله واگذار شده و بخش نخست کتیبه‌ی سردر دارالسیاده نیز این واقعه را اعلام می‌کند. مطابق رسم مغولان، علاءالدوله نیز بخش‌هایی از نطنز، از جمله افوشته را به‌عنوان سیورغال به تاج‌الدین حسن اعطا کرده است که از سویی روابط و مناسباتی با حکومت وقت داشته و از سویی دیگر به سبب سیادتش، مورد لطف و احترام تیموریان بوده است؛ بنابراین دومین طبقه از اشخاص، طبقه‌ی حامی است که اگرچه در تأمین مخارج ساخت‌وساز به‌طور مستقیم نقشی نداشته، با واگذاری املاکی به تاج‌الدین و برخوردارکردن او از حقوقی نسبت به این املاک، زمینه را برای چنین اقدام گسترده‌ای در روستا فراهم آورده است. سومین طبقه نیز، سازنده‌ی بناست که در کتیبه‌ی سردر دارالسیاده با نام شیخ حسن بن نظام‌الدین و با عنوان «بنا» معرفی شده است. او شخصی است که بی‌واسطه، در شکل‌گیری و برپایی بنای دارالسیاده و چه بسا تمام مجموعه ایفای نقش کرده است؛ به این ترتیب از خلال متن کتیبه‌ی سردر دارالسیاده و وقف‌نامه‌ی مجموعه، نام سه طبقه از افراد اثرگذار در پیدایش مجموعه روشن شد. طبقه‌ی اول بانی که نخست به احداث چنین مجموعه‌ای مبادرت ورزیده و سپس آن را وقف عام کرده است. طبقه‌ی دوم حامی ایجاد بنا، که با اعطای زمین و امتیازاتی به بانی، زمینه را برای احداث چنین مجموعه‌ای فراهم کرده است. و طبقه‌ی سوم معمار و سازنده که در سایه‌ی دو گروه نخست، چنین بنایی را برپا داشته است. این طبقه‌بندی که برای بناهای روستای افوشته ارائه شد، قابل تعمیم به همه‌ی بناهای هم‌دوره با آنها نیست، اما می‌تواند برای یافتن رد اشخاص اثرگذار در دیگر بناها نیز راهگشا باشد.

منابع و مآخذ

- اعظم‌واقفی، حسین، (۱۳۷۹)، *میراث فرهنگی نطنز*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بلر، شیلا، (۱۳۸۷)، *معماری ایلخانی در نطنز: مجموعه مزار شیخ عبدالصمد*، ترجمه‌ی ولی‌الله کاووسی، تهران: فرهنگستان هنر.
- بیانی، خان‌بابا، (۱۳۵۰)، «شاهنامه‌ی بایسنقری و حافظ ابرو»، *بررسی‌های تاریخی*، ش ۳۴، صص ۱۵۷-۱۸۲.
- تیموری رفیعی، امیر، (۱۳۸۸)، «سیورغال در عهد ایلخانی و تیموری»، *فصلنامه‌ی تاریخ*، س ۴، ش ۱۲، ۴۵-۶۴.
- دانشگاه کمبریج، (۱۳۷۹)، *تاریخ ایران: دوره‌ی تیموریان*، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران: جامی.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- سمرقندی، عبدالرزاق، (۱۹۴۶م)، *مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین*، ج ۲، تصحیح محمد شفیع، لاهور: چاپخانه‌ی گیلانی.
- _____، (۱۳۸۶)، *تذکره‌الشعرا*، تصحیح فاطمه علاقه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، (۱۳۸۸)، *اسناد معماری ایران*، دفتر اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- طهرانی، ابوبکر، (۱۳۵۶)، *دیار بکریه*، تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومه، تهران: کتابخانه‌ی طهوری.
- گلچین‌عارفی، مهدی، (۱۳۹۴)، *حکایت خرگرد و مدرسه: در نسبت مدرسه‌ی غیاثیه و بستر ظهورش*، تهران: روزنه.
- گلمبک، لیزا؛ ویلبر، دونالد، (۱۳۷۴)، *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه‌ی کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نراقی، حسن، (۱۳۸۲)، *آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- نوایی، عبدالحسین، (۱۳۷۰)، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران: از تیمور تا شاه اسماعیل*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.